**تاريخچه بارگاه امامين جوادين (ع) و روند تحولات معمارى آن‏**

احمد خامه‏يار[[1]](#footnote-1)

چكيده‏

آستان كاظمين در بغداد، از عتبات عاليات عراق و بارگاه دو امام هفتم و نهم شيعيان، امام كاظم (ع) و امام جواد (ع) است. اين زيارتگاه، از زمان شكل‏گيرى تا امروز، دستخوش تغييرات و تحولات معمارى فراوانى بوده است. در اين پژوهش، تلاش شده تا با استناد به متون تاريخى معتبر، تاريخچه‏اى مختصر و در عين حال جامع، از روند بازسازى و توسعه اين آستان و مهم‏ترين تحولات معمارى آن عرضه شود و نقش رجال و حاكمانى بازشناسى گردد. كه تأثيرگذارى در اين بازسازى‏ها و تحولات داشته‏اند. هم‏چنين تلاش شده تا با نگاهى نقادانه به آثار نويسندگان قبلى، برخى از مطالبى كه فاقد مدرك و سند كافى است، مشخص و تبيين شود.

واژگان كليدى: امام كاظم (ع)، امام جواد (ع)، كاظمين، بغداد، عراق، عتبات عاليات.

مقدمه‏

آستان مقدس كاظمين، مرقد دو تن از امامان معصوم شيعيان دوازده‏امامى، حضرت امام موسى كاظم (ع) و حضرت امام محمد جواد (ع) است و از عتبات عالياتِ عراق و از مقدس‏ترين زيارتگاه‏هاى شيعه به شمار مى‏آيد. تاكنون نوشته‏هاى متعددى درباره تاريخچه اين آستان مقدس و روند ساخت‏وساز و

ص: 247

تحولات معمارى آن، در قالب كتاب و مقاله صورت گرفته است. از مهم‏ترين متونى كه به عنوان منبع در نگارش تاريخچه اين بارگاه وجود دارد، منظومه صدى الفؤاد إلى حمى الكاظم والجواد، سروده محمد بن طاهر سماوى (درگذشته 1373 ق) است كه در سال 1941 ميلادى در نجف چاپ شده است. اين منظومه، يكى از چهار منظومه‏اى به شمار مى‏رود كه سماوى در بيان تاريخچه هر يك از عتبات عاليات سروده است. سماوى در اين منظومه‏ها، به بازسازى‏ها و اقدامات عمرانى صورت‏گرفته در هر يك از عتبات عاليات اشاره كرده، اما در منابع كهن و دست‏اولِ موجود، به تعدادى از بازسازى‏ها و ساخت‏وسازهايى كه سماوى از آن سخن گفته، اشاره نشده كه در مورد بارگاه كاظمين، نمونه‏هايى از اين موارد را در ادامه همين مقاله نشان خواهيم داد. به هر حال، منظومه‏هاى چهارگانه سماوى، به منبعى براى ديگران تبديل شده و نويسندگانى كه پس از وى به تاريخ عتبات عاليات پرداخته‏اند، مكرر به اين منظومه‏ها استناد جسته‏اند.

كتاب تاريخ كاظمين و بغداد نوشته مرحوم ميرزا عباس فيض، از بهترين تحقيقات صورت گرفته درباره بارگاه كاظمين است كه در سال 1327 شمسى در چاپخانه قم منتشر شده است. اين اثر در اصل دو جلد را شامل مى‏گردد كه جلد نخست آن به تاريخ كاظمين، و جلد دوم آن به تاريخ بغداد اختصاص دارد و گويا جلد دوم تاكنون منتشر نشده است. نويسنده اين كتاب به شيوه تحليلى و گاه با نگاه انتقادى، به بيان تاريخچه اين بارگاه مقدس پرداخته و سير تحولات معمارى آن را بررسى كرده است. هم‏چنين توصيف دقيقى از معمارى و ساختمان اين آستان آورده و به اجمال به مباحث ديگرى مانند مدفونان در آن پرداخته است.

چندى پس از انتشار اين اثر، دو كتاب ديگر نيز به زبان عربى، در تاريخ بارگاه كاظمين منتشر گرديد: كتاب اول با عنوان تاريخ الامامين الكاظمين وروضتهما الشريفة من يوم دفنهما فى‏ها الى زماننا الحاضر، نوشته جعفر نقدى است كه در

ص: 248

بغداد در سال 1369 ق/ 1950 م منتشر شد. كتاب دوم كه از كتاب اول مفصل‏تر است، با عنوان تاريخ المشهد الكاظمى نوشته محمدحسن آل‏ياسين است كه در سال 1387 ق/ 1967 م در بغداد منتشر شد. اين كتاب در سال 1371 شمسى، به سفارش كنگره جهانى حضرت رضا (ع) با عنوان تاريخ حرم كاظمين به فارسى برگردانده و منتشر شد. از ويژگى‏هاى اين اثر، اطلاعات مفصلى است كه درباره بازسازى‏ها و توسعه آستان در دوره‏هاى متأخر به دست مى‏دهد و متن كامل اشعار و قصايدى را نقل مى‏كند كه شاعران عرب در اين‏باره سروده‏اند.

افزون بر كتاب‏ها و آثار ياد شده، تاكنون چند مقاله نيز به دو زبان عربى و فارسى درباره تاريخچه بارگاه كاظمين نوشته است كه در مقايسه با كتاب‏هاى موجود در اين موضوع، اطلاعات دست اول يا تحليل‏هاى جديدى به دست نمى‏دهد. هم‏چنين كتاب‏هايى نيز نگارش يافته كه به شهر كاظمين يا ابعاد ديگرى از اين آستان مقدس همچون مدفونان در آن مى‏پردازد.

آن‏چه ما را به قلم‏فرسايى دوباره و نگارش پژوهش حاضر وادار كرده، آن است كه با استناد به متون تاريخى معتبر و منابع و شواهد اصيل و دست‏اول، تاريخچه‏اى مختصر و در عين حال جامع از روند بازسازى و توسعه اين آستان و مهم‏ترين تحولات معمارى آن در دوره‏هاى تاريخى مختلف عرضه كنيم و نقش رجال و حاكمانى را واكاوى نماييم كه نقش تأثيرگذارى در اين بازسازى‏ها و تحولات داشته‏اند؛ ضمن آن‏كه تلاش كرده‏ايم تا به آثار نويسندگان و پژوهش‏گران قبلى در همين موضوع، نگاه نقادانه داشته باشيم و برخى از مطالب فاقد مدرك و سند تاريخى محكم و كافى را مشخص و تبيين كنيم.

پيشينه و اسامى تاريخى محل دفن امامين جوادين (ع)

زمينى كه امروزه آستان مقدس كاظمين در آن واقع است، نخستين بار به دستور منصور عباسى پس از تأسيس بغداد در سال 149 قمرى، به قبرستانى‏

ص: 249

به نام «مقابر قريش» (قبرستان قريش) تبديل شد.[[2]](#footnote-2) نام اين مقابر، بارها در منابع تاريخى متقدم، براى دلالت بر محل وقوع آستان كاظمين آمده است و بنابراين نام تاريخى اصيل اين مكان به شمار مى‏آيد.

خطيب بغدادى از يكى از شيوخ خود نقل كرده كه مقابر قريش در آغاز به قبرستان «شونيزى كوچك» شناخته مى‏شد.[[3]](#footnote-3) به‏كار بردن لفظ كوچك در اين‏جا، براى تمايز آن از قبرستان «شونيزى بزرگ» (واقع در نزديكى محله «توثه» بغداد كه فاصله چشم‏گيرى با محل كنونى كاظمين داشته) بوده است كه بسيارى از صوفيان مشهور بغدادى همچون سَرى سَقَطى، جنيد قواريرى، جعفر خُلدى و ... در آن مدفون بوده‏اند.[[4]](#footnote-4)

خطيب بغدادى در وجه تسميه دو قبرستان شونيزى بزرگ و كوچك نوشته است:

دو برادر به نام‏هاى «شونيزى» بوده‏اند كه هر يك از آن‏ها پس از مرگ در يكى از اين دو قبرستان دفن شدند و لذا اين دو قبرستان به آن‏ها منسوب گشت.[[5]](#footnote-5)

اما آل‏ياسين با بيان اين‏كه «شونيز» كلمه‏اى عربى به معناى دانه سياه است، احتمال داده اين نام، پس از انقراض سلسله ساسانى و پيش از ساختن بغداد، بر اين مكان اطلاق مى‏شده است.[[6]](#footnote-6) اما به اعتقاد مرحوم مصطفى جواد، خبر خطيب بغدادى، مبنى بر وجود دو قبرستان در بغداد به نام‏هاى شونيزى كبير و صغير، خبر واحد و آشفته‏اى است كه نام شونيزى صغير تنها در اين گزارش آمده است. اگر مقابر قريش پيش از ساخت بغداد به اين نام شناخته مى‏شده، تاريخ‏نگاران بايست به اين موضوع اشاره مى‏كردند؛ نه اين‏كه بگويند: منصور

ص: 250

نخستين كسى است كه اين محل را به قبرستان تبديل كرد.[[7]](#footnote-7)

در برخى منابع تاريخى نيز از اين قبرستان با نام «مقابر بنى‏هاشم» ياد شده است.[[8]](#footnote-8) شيخ مفيد در اين باره مى‏نويسد: «آن‏جا قبرستان بنى‏هاشم و بزرگان مردم بوده است.»[[9]](#footnote-9) به عقيده آل‏ياسين، شايد هدف منصور از انتخاب نام «قريش» براى اين قبرستان، آن بوده است كه عموم قريشيان، و در درجه اول عباسيان و علويان و ديگران، در آن به خاك سپرده شوند.[[10]](#footnote-10) اشتهار آن به «مقابر بنى‏هاشم» نيز مى‏تواند ناظر به همين موضوع باشد.

گفته مى‏شود جعفر اكبر فرزند منصور نخستين كسى بود كه در قبرستان قريش دفن گرديد. وى در سال 150 قمرى از دنيا رفت.[[11]](#footnote-11) پس از وى، هيثم بن معاويه، والى منصور بر بصره، در سال 156 قمرى در اين قبرستان دفن شد[[12]](#footnote-12) و با به خاك سپردن شخصيت‏هاى مشهورى همچون ابويوسف قاضى (م 182 ق) و زبيده همسر هارون‏الرشيد (م 216 ق) دفن اموات در اين قبرستان ادامه يافت.

بر اساس گزارش‏هاى تاريخى معتبر، پس از آن‏كه امام كاظم (ع) در سال 183 قمرى در زندان «سندى بن شاهك» مسموم شدند و به شهادت رسيدند، پيكر مطهر ايشان را به «مقابر قريش» انتقال دادند و در كنار شخصى از خاندان «نوفلى» به نام «عيسى بن عبدالله» دفن كردند.[[13]](#footnote-13) به گفته نويسنده اثبات الوصيه، آن حضرت را در مكانى به خاك سپردند كه خود ايشان در زمان حيات خريدارى كرده بودند.[[14]](#footnote-14)

از برخى رواياتِ نقل‏شده در منابع شيعه، چنين برمى‏آيد كه قبر ايشان پس از

ص: 251

خاك‏سپارى، درون محوطه محصورى قرار داشت كه شيعيان، از ترس حاكمان به سختى مى‏توانستند آن را زيارت كنند، لذا امام رضا (ع) به شيعيان اجازه داده بودند تا از پشتِ ديوار به امام كاظم (ع) سلام بدهند.[[15]](#footnote-15) بر اساس روايت ديگرى، امام رضا (ع) به شيعيان فرمودند تا در مساجدى كه اطراف قبر شريف قرار دارد، نماز و دعا بخوانند.[[16]](#footnote-16)

پس از گذشت نزديك چهل سال از شهادت امام كاظم (ع)، در سال 220 قمرى نيز امام جواد (ع) در بغداد از دنيا رفتند و بدن مطهر ايشان را در كنار قبر جدشان امام كاظم (ع) به خاك سپردند.[[17]](#footnote-17)

در اخبار تاريخى مربوط به سده‏هاى پنجم تا هفتم هجرى، از زيارتگاه و مدفن شريف اين دو امام، به جز نام «مقابر قريش»، در موارد متعددى نيز با نام «مشهد باب‏التبن» ياد شده است.[[18]](#footnote-18) اين وجه تسميه نزديكى اين زيارتگاه با قبرستان ديگرى به نام «باب‏التبن» (واقع در ساحل غربى رود دجله)؛[[19]](#footnote-19) و وجه تسميه «مشهد غربى»، به علت واقع شدن اين آستان در سمت غربى رود دجله بوده است.

هم‏چنين با انتساب اين محل به امام كاظم (ع)، در منابع تاريخى سده‏هاى ميانى، بارها از اين آستان مقدس با نام «مشهد موسى بن جعفر» (ع) ياد شده است.[[20]](#footnote-20) در نخستين اخبار سده هفتم نيز شاهد به‏كار بردن نام «مشهد كاظمى» براى اين بارگاه هستيم.[[21]](#footnote-21) بى‏ترديد چنين نام‏گذارى‏هايى، باعث شد تا اين‏

ص: 252

آستان و محله اطراف آن، به مرور زمان به «كاظميه» و «كاظمين» شهرت يابد و در سده متأخر، به نام اصلى و غالب اين منطقه تبديل شود.

آستان كاظمين از دوره آل‏بويه تا آغاز دوره صفوى‏

اطلاع دقيقى از وضعيت بناى اوليه آستان كاظمين، تا قرن چهارم هجرى، در دست نيست. اما بى‏ترديد در نيمه‏هاى اين قرن، ساختمان زيارتگاهى بر قبر مطهر دو امام وجود داشته است. زيرا در ذيل زندگى‏نامه «ناشى» (م 365 ق)، شاعر بزرگ شيعه، گفته‏اند كه او به دست خود چلچراغ مربع و زيبايى ساخت و اين چلچراغ در زيارتگاه كاظمين نصب گرديد.[[22]](#footnote-22)

منابع تاريخى، درباره زمان ساخت و تاريخ‏هاى بازسازى و توسعه آستان كاظمين تا نيمه دوم سده پنجم هجرى سكوت كرده‏اند و همان‏گونه كه اشاره شد، عمده مطالب نويسندگان متأخر در اين باره، برگرفته از اشعار محمد بن طاهر سماوى است. بر اين اساس، مرحوم سماوى از احداث ساختمان اين آستان مقدس به دست معزالدوله ديلمى (حك: 334- 356) در سال 336 قمرى، يعنى دو سال پس از تصرف بغداد به دست آل‏بويه در 334 قمرى، سخن گفته است.[[23]](#footnote-23) اما در منابع كهن موجود، اشاره صريحى به ساخت بارگاه كاظمين به دست معزالدوله به چشم نمى‏خورد. تاريخ‏نگاران تنها اشاره كرده‏اند به اين‏كه در سال 358 قمرى عضدالدوله ديلمى جنازه معزالدوله را از محل دفن وى در خانه‏اش، به آرامگاه اختصاصى وى در مقابر قريش منتقل كرد.[[24]](#footnote-24)

رود دجله در سال 367 قمرى، طغيان نمود و سيلاب ناشى از آن، بخش‏هاى زيادى از سمت شرقى بغداد را غرق كرد. در سمت غربى بغداد نيز بخش‏هايى از قبرستان «باب‏التبن» (نزديك آستان كاظمين) به زير آب فرو رفت.[[25]](#footnote-25)

ص: 253

عضدالدوله ديلمى (حك: 366- 372) امير مقتدر آل‏بويه، در سال 369 قمرى، خدمات عمرانى و اجتماعى گسترده‏اى را در بغداد آغاز كرد. او مساجد و بازارهايى در اين شهر احداث نمود و كانال‏هاى آبى خراب شده را بازسازى كرد.[[26]](#footnote-26) به گفته سماوى، عضدالدوله حصارى در اطراف حرم كاظمين ايجاد نمود كه شايد هدف وى از اين كار، محافظت روضه مقدسه از سيلاب‏هاى رود دجله بوده است.[[27]](#footnote-27)

در منابع تاريخى موجود، اشاره صريحى مبنى بر اين اقدام عضدالدوله در بارگاه كاظمين به چشم نمى‏خورد، اما با توجه به وجود گزارش خدمات عمرانى عضدالدوله در بغداد و نيز گزارش‏هايى مبنى بر اقدامات عمرانى وى در دو آستان امام على (ع) در نجف و امام حسين (ع) در كربلا[[28]](#footnote-28)، مى‏توان احتمال داد كه عضدالدوله در آستان كاظمين نيز به اقدامات و خدماتى دست زده باشد.

به هر حال، به خاك سپردن چند تن از امراى بزرگ آل‏بويه در آستان كاظمين را مى‏توان نشانه‏اى بر اهتمام و توجه آنان به اين آستان دانست؛ زيرا افزون بر معزالدوله، منابع تاريخى، به دفن شدن دو امير ديگر از اين خاندان شامل ابوطاهر جلال‏الدوله (م 435 ق) فرزند بهاءالدوله فرزند عضدالدوله، و فرزند بزرگ جلال‏الدوله معروف به «ملك عزيز» (م 441 ق) اشاره كرده‏اند.[[29]](#footnote-29)

در سده پنجم هجرى، شيعيان كه عمدتاً در محله كرخ بغداد ساكن بودند، همه‏ساله در روز عاشورا مراسم عزادارى، و در عيد غدير، مراسم جشن و سرور برپا مى‏كردند. اما گاه برپايى اين مراسم‏ها، به فتنه و درگيرى ميان شيعه و سنى مى‏انجاميد. از جمله در سال 441 قمرى، به دنبال برگزارى مراسم روز عاشورا، ميان آنان درگيرى شديدى رخ داد كه در نتيجه آن تعداد زيادى از مردم كشته و زخمى شدند.[[30]](#footnote-30)

ص: 254

در سال 443 قمرى، فتنه ميان شيعيان و اهل سنت در بغداد به اوج رسيد. با تحريك برخى از حنبليان، سنيان به آستان كاظمين يورش بردند و همه هداياى نفيس و اشياى گران‏بهاى موجود در آن‏جا، شامل چلچراغ‏ها، پرده‏ها و محراب‏هاى طلا و نقره را غارت كردند. آن‏ها سپس قبر مطهر دو امام و دو گنبد چوبى موجود را آتش زدند و به دنبال آن قبور بسيارى از امرا، وزرا و شخصيت‏هاى مشهور در اطراف قبرهاى دو امام از جمله قبور معزالدوله و جلال‏الدوله ديلمى، قبور جعفر فرزند منصور دوانيقى، امين عباسى فرزند هارون و مادرش زبيده در آتش سوخت.[[31]](#footnote-31)

پس از اين آتش‏سوزى، در سال 444 قمرى، «ارسلان بساسيرى» و «ملك رحيم» (حك: 440- 447)، آخرين امير آل‏بويه، با هم‏كارى يك‏ديگر، حرم را بازسازى و دو صندوقچه چوبى جديد بر روى هر يك از قبور نصب كردند و گنبدى از همان چوب بر قبر بنا نهادند. اما به عقيده مصطفى جواد، بساسيرى پس از تسلط بر بغداد در سال 450 قمرى به تنهايى به اين كار اقدام كرد. آل‏ياسين، ادامه آشوب‏ها و فتنه‏هاى مذهبى بغداد تا سال 449 قمرى را قرينه‏اى در تأييد نظريه وى مى‏داند.[[32]](#footnote-32)

با اين حال، در منابع تاريخى به بازسازى آستان كاظمين از سوى بساسيرى يا اقدامات عمرانى ديگر وى در آن‏جا، اشاره‏اى نشده است. اما گزارش‏هايى تاريخى مبنى بر احداث ساختمان (يا بازسازى) آستان امامين عسكريين در سامرا به دست وى وجود دارد[[33]](#footnote-33) كه شايد سماوى با در نظر گرفتن اين موضوع، حدس زده كه بساسيرى در زمان تسلط خود بر بغداد، به بازسازى آستان كاظمين نيز اقدام كرده است.

در سال 466 قمرى، مصادف با اوايل دوره حاكميت سلجوقيان، بار ديگر رود دجله طغيان كرد و سمت شرقى بغداد را سيلاب فراگرفت. بخش‏هايى از

ص: 255

سمت غربى بغداد نيز، از جمله قبرستان احمد بن حنبل و آستان كاظمين به زير آب فرورفت و حصار آستان مقدس فروريخت. لذا شرف‏الدوله مسلم بن قريش عُقيلى، مبلغ هزار دينار براى بازسازى آن صرف كرد.[[34]](#footnote-34)

در سال 479 قمرى، ملكشاه سلجوقى به همراه وزير خود خواجه نظام‏الملك وارد بغداد شدند و مشهد كاظمين و ساير مزارات مشهور بغداد نظير معروف كرخى، احمد بن حنبل و ابوحنيفه را زيارت كردند. آن‏ها سپس به زيارت مشاهد امام على (ع) و امام حسين (ع) رفتند.[[35]](#footnote-35)

نويسنده النقض، از بازسازى آستان كاظمين به دست مجدالملك براوستانى قمى (مقتول در 492 ق)، وزير بركيارق سلجوقى (فرزند ملكشاه) خبر داده است.[[36]](#footnote-36) سماوى در منظومه خود، تاريخ اين بازسازى را سال 490 قمرى تعيين كرده و از اقدامات عمرانى مفصل مجدالملك نظير كاشى‏كارى گنبد و ساخت دو مناره و صندوقچه‏هاى قبر و احداث استراحتگاه براى زائران خبر داده است.[[37]](#footnote-37) اگرچه مجدالملك براوستانى خدمات عمرانى متعددى در مشاهد ائمه داشته و نويسنده النقض نيز اقدامات ديگر وى از جمله احداث (يا بازسازى) آستان عسكريين، مقبره ائمه بقيع و مقبره حضرت عبدالعظيم حسنى را گزارش داده، اقدامات مفصلى كه سماوى از آن ياد كرده، چه در كتاب نقض و چه در ساير منابع تاريخى، گزارش داده نشده است.

در محرم سال 517 قمرى، خليفه عباسى المسترشدبالله از جنگ با نورالدوله دُبَيس بن صَدَقه (حاكم شيعه مذهب بنى‏مزيد) به بغداد بازگشت و به دنبال آن، اهل سنت به آستان كاظمين يورش بردند و درها و پنجره‏هاى آن را كندند و گنجينه‏ها و اشياى باارزش موجود در آن را به غارت بردند. پس از آن، سادات علوى به ديوان خلافت شكايت كردند و خليفه دستور داد تا جنايت‏كاران را

ص: 256

مجازات كنند و بعضى از اشياى به غارت رفته را بازگردانند.[[38]](#footnote-38) ابن قلانسى (درگذشته 555 ق) ضمن اشاره به اين حادثه، مى‏گويد: «مقابر قريش در بغداد غارت شد و چراغ‏هاى زراندود و پرده‏ها و ابريشم‏هاى آن به تاراج رفت.»[[39]](#footnote-39)

رود دجله در دو سده ششم و هفتم هجرى، چند بار طغيان كرد و سيلاب‏هاى عظيمى در بغداد جارى شد كه در نتيجه آن‏ها، به آستان كاظمين نيز آسيب‏هايى رسيد. از جمله در سال‏هاى 554 قمرى‏[[40]](#footnote-40) و 569 قمرى (كه در اثر آن بيش‏تر ديوارهاى آستان كاظمين تخريب شد).[[41]](#footnote-41) و نيز به سيل سال 614 قمرى‏[[42]](#footnote-42) مى‏توان اشاره كرد.

با توجه به اين‏كه تعدادى از اين حوادث در دوره الناصر لدين الله (خلافت: 575- 622) رخ داده است و با توجه به اين‏كه او علايق شيعى آشكار داشته و تاريخ‏نگاران اقدامات عمرانى متعددى برايش گزارش داده‏اند؛ مى‏توان تصور كرد كه به آستان كاظمين در دوره وى توجه گرديده و دست‏كم پس از حوادث طبيعى نظير طغيان آب دجله، بازسازى شده باشد. ظاهراً سماوى با در نظر گرفتن همين مسأله، از ساخت دو صندوقچه چوبى طلاكارى براى قبرهاى مطهر دو امام و ديگر اقدامات عمرانى در اين آستان در سال 575 قمرى (چند سال پس از سيل سال 569 ق) و نيز بازسازى آستان پس از سيل سال 614 قمرى سخن گفته است.[[43]](#footnote-43)

در دوره الظاهر بأمر الله عباسى (خلافت: 622- 623 ق)، گنبد آستان مقدس كاظمين در يك آتش‏سوزى سوخت. لذا وى بازسازى آن را آغاز كرد؛ اما پيش از اين‏كه آن را به پايان برساند، از دنيا رفت و جانشين و فرزندش المستنصر بالله‏

ص: 257

(خلافت: 623- 640 ق) كار وى را تكميل كرد.[[44]](#footnote-44) از دوره اين خليفه عباسى، صندوقچه چوبى نفيس قبر امام كاظم (ع) باقى مانده كه با كتيبه‏هاى زيبايى به خط نسخ و كوفى تزيين يافته و حاوى نام المستنصر و تاريخ 624 قمرى است. اين صندوقچه، تنها نمونه از صندوقچه‏هاى كهن موجود بر قبور ائمه (عليهم السلام) در عراق است كه خوش‏بختانه تا امروز باقى مانده و در حال حاضر در ساختمان «دار الآثار العربية» (موزه آثار اسلامى) در بغداد نگه‏دارى مى‏شود.[[45]](#footnote-45) قاعدتاً صندوقچه مشابه ديگرى نيز بر قبر امام جواد (ع) قرار داشته كه المستنصر به همراه صندوقچه قبر امام هفتم، پس از آتش‏سوزى بارگاه كاظمين (ع) در دوره پدرش الظاهر عباسى، روى قبور شريف نصب كرده است.

رود دجله در ماه شوال سال 646 قمرى، بار ديگر طغيان كرد و سيلاب بزرگى به وجود آورد كه در جريان آن، بخشى از ديوارهاى آستان كاظمين فروريخت.[[46]](#footnote-46) به دنبال استمرار اين بارندگى‏ها، در ماه ذى‏الحجه همان سال، سيلاب سهمگين‏ترى جارى شد كه تمام بغداد را به زير آب برد و در نتيجه آن، حصارها و اتاق‏هاى اطراف حرم كاظمين ويران شد و سيلاب چنان بارگاه مطهر دو امام را فراگرفت كه فقط گنبد بنا بيرون از آب باقى ماند.[[47]](#footnote-47)

پس از اين خرابى‏ها، در سال 647 قمرى خليفه عباسى دستور بازسازى حصار حرم مطهر را صادر كرد. به نوشته الحوادث الجامعة، كارگران هنگام بازسازى ديوارها، به ظرفى سفالين برخوردند كه در آن هزار درهم قديمى وجود داشت. بخشى از اين سكه‏ها يونانى و داراى تصاوير بود و بخش ديگرى در سال 132 قمرى در بغداد و بخش ديگرى نيز مقارن همان تاريخ در شهر «واسط» ضرب شده بود. خليفه عباسى بعد از اطلاع از اين موضوع، دستور داد كه بهاى آن‏ها را صرف بازسازى حرم مطهر كنند. بنابراين مردم بخشى از اين سكه‏ها را به‏

ص: 258

بالاترين قيمت خريدند و بخش ديگرى نيز به بزرگان اهدا شد و آنان در عوض، مبالغى معادل بيش‏تر از آن‏چه هديه گرفته بودند، به آستان كاظمين بخشيدند.[[48]](#footnote-48)

در سال 656 قمرى، مغولان به بغداد حمله نمودند و اين شهر را اشغال كردند. در جريان اين حمله، بسيارى از مساجد و زيارتگاه‏هاى اين شهر همچون مسجد جامع خليفه و مشهد موسى بن جعفر (ع) و نيز قبور خلفاى عباسى در محله «رصافه» به آتش كشيده شد.[[49]](#footnote-49) اما طولى نكشيد كه عمادالدين عمر بن محمد قزوينى كه به نيابت امير قراقاى تعيين شده بود، مسجد خليفه و بارگاه كاظمين را بازسازى كرد.[[50]](#footnote-50)

درباره بازسازى‏ها و اقدامات عمرانى صورت‏گرفته در دوره آل‏جلاير، آگاهى‏هاى كم‏ترى از منابع موجود به دست مى‏آيد. مرحوم سماوى طبق معمول و بدون اشاره به منابع خود، جزئيات بازسازى مفصل اين آستان در دوره سلطان اويس جلايرى را بيان كرده است. به نوشته وى، سلطان اويس در سال 769 قمرى، مشهد كاظمين را بازسازى كرد و دو گنبد و دو مناره ساخت و دستور داد دو صندوقچه از سنگ مرمر روى قبرهاى شريف دو امام نصب كردند. او هم‏چنين رواق و رباطى را كه در صحن مطهر بود، بازسازى كرد و اموالى را ميان خادمان و متوليان حرم و سادات علوى ساكن آن‏جا توزيع نمود.[[51]](#footnote-51)

آستان كاظمين از آغاز دوره صفوى تا آغاز دوره قاجار

با تأسيس دولت صفوى، مرحله جديدى در تاريخ معمارى عتبات عاليات عراق آغاز شد و پادشاهان اين دوره، اقدامات متعددى براى توسعه ساختمانى بارگاه‏هاى مطهر انجام دادند. شاه‏اسماعيل مؤسس سلسله صفويه، پس از تصرف عراق در سال 914 قمرى، به زيارت قبور امامان معصوم (عليهم السلام) شتافت و

ص: 259

نجاران و خاتم‏كاران هنرمند و چيره‏دست را مأمور به ساخت شش صندوقچه خاتم نفيس براى نصب بر قبور ائمه (عليهم السلام) نمود.[[52]](#footnote-52)

به دستور شاه، گنبد بزرگ و جديدى بر سر قبرهاى دو امام احداث شد. بوداق منشى قزوينى در اين باره مى‏نويسد:

فرمان قضا جريان نافذ گشت كه بر سر قبر امام موسى كاظم و امام محمد تقى (ع)، عمارتى عالى بنا كنند. استادان چابك‏دست از اطراف آوردند و در آن‏جا عمارت عالى ساخته شد. همين گنبد اتمام يافت، باقى ناتمام ماند.[[53]](#footnote-53)

نويسنده گلشن خلفا نيز نقل كرده كه شاه‏اسماعيل، ساخت بارگاه امامين و نيز مسجد جامع را آغاز كرد؛ اما موفق به تكميل آن نشد. لذا پس از وى، سلطان سليمان قانونى دستور تكميل اقدامات وى را صادر كرد.[[54]](#footnote-54)

در دوره شاه اسماعيل، هم‏چنين مسجد جامع مجلل و باشكوهى با 76 ستون آجرى در ضلع شمالى حرم امامين جوادين (ع) ساخته شد كه ساختمان آن تا امروز سالم باقى مانده است.[[55]](#footnote-55) در واقع چارچوب اصلى حرم مطهر، از آثار دوره شاه‏اسماعيل به شمار مى‏آيد و توسعه‏ها و بازسازى‏هاى دوره‏هاى بعدى، بر محور ساخت‏وسازهاى دوره وى صورت گرفته است. با بررسى آثار هنرى و كتيبه‏هاى كاشى باقى‏مانده از اين دوره نيز به برخى تواريخ و ابعاد توسعه ساختمانى اين دوره مى‏توان پى برد.

محمود شكرى الالوسى در كتاب مساجد بغداد، به كتيبه‏اى بر ديوار مسجد اشاره كرده كه بر اساس آن، ساختمان آن به دستور شاه اسماعيل در ششم ربيع‏الثانى سال 926 قمرى ساخته شده است.[[56]](#footnote-56) از جمله در قسمت بيرونى‏

ص: 260

ديوار رواق شرقى در ايوان باب‏المراد، كتيبه‏اى كاشى به اين تاريخ وجود دارد كه در آن شاه‏اسماعيل را بانى اين بارگاه مقدس ياد كرده است. هم‏چنين در گرداگرد ديوارهاى داخلى حرم مطهر، در ارتفاع دو مترى از سطح زمين، كتيبه‏اى كاشى حاوى آيات مباركه سوره‏هاى دهر، نبأ و سه آيه آخر سوره زمر وجود دارد كه در پايان آن، تاريخ 935 قمرى ذكر شده است. اين تاريخ، نشان مى‏دهد كه ساخت‏وساز بارگاه كاظمين، پس از مرگ شاه‏اسماعيل و در زمان شاه‏طهماسب صفوى پايان يافته است.[[57]](#footnote-57)

هم‏چنين از دوره شاه‏اسماعيل، دو صندوقچه چوبى و خاتم‏كارى زيبا و نفيس بر روى قبرها باقى مانده كه بر اساس كتيبه‏هاى روى آن‏ها، به دستور اين شاه ساخته شده و تاريخ ساخت آن‏ها ماه رمضان 926 قمرى است.[[58]](#footnote-58)

از ديگر آثار باقى‏مانده، سه لنگه از درهاى چوبى خاتم‏كارى حرم است كه تاريخ ندارد، اما از نظر شيوه تزئينات و نوع كتيبه‏هاى آن، شبيه صندوقچه‏هاى روى قبر است. اين درها به علت كهنگى از جاى خود برداشته شده‏اند و امروزه در موزه آثار عربى (اسلامى) بغداد به شماره‏هاى 7146 و 7147 و 7148 نگه‏دارى مى‏شوند و درهايى از طلا و نقره در حرم مطهر جايگزين آن‏ها شده است.[[59]](#footnote-59)

پادشاهان عثمانى نيز در دوره‏هاى تسلط خود بر عراق، آثارى از خود در عتبات عاليات به‏جا گذاشته‏اند. براى مثال، در داخل مسجد جامع صفوى واقع در ضلع شمالى آستان، منبر آجرى قديمى زيبايى از آثار دوره سلطان سليمان قانونى وجود دارد كه روى آن تاريخ 956 قمرى به چشم مى‏خورد.[[60]](#footnote-60) هم‏چنين در سال 978 قمرى، مصادف با دوره پادشاهى سلطان سليم دوم عثمانى و دوره والى‏گرى مرادپاشا بر بغداد، احداث مناره مسجد جامع كاظمين كه در ضلع شمالى آستان واقع است، به پايان رسيد و فضلى فرزند فضولى شاعر، اشعارى‏

ص: 261

تركى در ماده تاريخ آن سرود.[[61]](#footnote-61) اين اشعار در كتيبه‏اى سنگى در بالاى ورودى پلكان مناره در زاويه ايوان باب‏المراد ثبت شده است.

شاه‏عباس صفوى، در سال 1032 قمرى وارد عراق شد و به زيارت عتبات عاليات مشرف گرديد.[[62]](#footnote-62) مرحوم سماوى اشاره كرده كه به دستور شاه، براى نخستين بار ضريح فولادى محكمى براى قبور مطهر كاظمين ساخته شد[[63]](#footnote-63)؛ اما در منابع تاريخى دوره صفوى، اشاره واضحى به ساخت ضريح در اين دوره ملاحظه نشد.

از سوى ديگر، مرحوم شيخ‏عباس قمى در ذيل احوال شيخ‏جعفر كمره‏اى، شيخ‏الاسلام اصفهانى پس از علامه مجلسى، اشاره كرده است كه در سال 1115 قمرى، شخصى به نام «محمودآقا تاجر»، به همراه كاروانى ده هزار نفره كه اهل حرم سلطان و اعيان دولت نيز در آن حضور داشتند، ضريح مشبّك حرم كاظمين را به آن‏جا منتقل كرد.[[64]](#footnote-64) به نوشته آل ياسين، اين ضريح به دستور شاه‏عباس ساخته شده بود كه به علت تيرگى روابط ايران و عثمانى، نصب آن سال‏ها به تأخير افتاد؛[[65]](#footnote-65) اما به نظر بايد سخن مرحوم عباس فيض را پذيرفت كه گفته است: ضريحى از فولاد در زمان شاه سلطان حسين صفوى، به اين آستان مقدس اهدا شد و روى تربت شريف امامين نصب گرديد.[[66]](#footnote-66) و اين قول مطابق با نوشته شيخ عباس قمى است.

از ديگر اقدامات عمرانى در آستان كاظمين در اواخر دوره صفوى، به بازسازى و مرمت سقف‏هاى چوبى ايوان‏هاى صحن اين آستان مقدس به دستور حسن پاشا، والى عثمانى بغداد، در سال 1129 قمرى مى‏توان اشاره كرد.[[67]](#footnote-67)

ص: 262

در طول دوره حكومت سلسله‏هاى افشاريه و زنديه در ايران و تثبيت حاكميت عثمانى‏ها بر عراق، در منابع تاريخى به پروژه‏هاى عمرانى بزرگى در آستان كاظمين اشاره نشده است. نادرشاه افشار در زمان تصرف بسيار كوتاه‏مدت بغداد در سال‏هاى 1145- 1146 قمرى، دستور داد گنبد امام على (ع) و امام حسين (ع) مانند گنبد امام رضا (ع) در ايران طلاكارى شود؛[[68]](#footnote-68) اما اقدامات عمرانى از وى در بارگاه كاظمين گزارش نشده است.

آستان كاظمين از دوره قاجار تا حال حاضر

با روى كار آمدن قاجاريان در ايران، اقدامات عمرانى گسترده‏اى در عتبات عاليات آغاز شد. در سال 1207 قمرى، به دستور آقامحمدخان قاجار، كار بازسازى حرم كاظمين و تكميل كارهاى صفويان در آن مكان مقدس، آغاز شد؛ از جمله: بازسازى سه گلدسته بزرگ از گلدسته‏هاى چهارگانه‏اى كه در روزگار صفويان ارتفاع آن‏ها بيش‏تر از بام حرم نبود و گلدسته چهارم نيز در روزگار سلطان سليم تكميل شده بود. ديگر، ساختن صحن وسيعى بود كه از سه جهت شرقى، غربى و جنوبى، حرم را دربرمى‏گرفت و جهت شمالى آن به مسجد متصل بود.[[69]](#footnote-69)

با مرگ آقامحمدخان و آغاز سلطنت فتحعلى‏شاه، كارهاى عمرانى مربوط به آستان كاظمين ادامه يافت؛ از جمله درون دو گنبد و ديوارهاى حرم از داخل آينه‏كارى شد و پوشش بيرونى دو گنبد و گلدسته‏هاى چهارگانه كوچك طلاكارى گرديد. در ميان اشعار ثبت شده در كتيبه‏هاى باقى‏مانده بر گنبد آستان، ماده تاريخ «گنبد موسى بن جعفر به جهان زرين شد» به چشم مى‏خورد كه معادل سال 1229 قمرى است و تاريخ پايان طلاكارى گنبد را مى‏رساند.[[70]](#footnote-70) اما مرحوم‏

ص: 263

عباس فيض اشاره كرده كه طلاكارى گنبد كاظمين در زمان آقامحمدخان قاجار صورت گرفت و ماده تاريخ آن كلمه «تاريخ»، معادل سال 1211 قمرى است.[[71]](#footnote-71)

سلطان محمود دوم عثمانى در سال 1255 قمرى، پرده ابريشمى گلدوزى نفيسى به حرم كاظمين اهدا كرد كه پيش‏تر روى قبر مطهر رسول خدا (ص) قرار داشت. اين پرده در شب قدر روى قبر نهاده شد و ماده تاريخ آن را عبارت «جاؤوا بأشرف سترٍ» ساختند. شاعران مشهور عراقى همچون عبدالغفار اخرس و عبدالباقى عمرى نيز بدين مناسبت اشعار زيبايى سرودند.[[72]](#footnote-72)

در همين سال، با سرمايه منوچهرخان معتمدالدوله (درگذشته 1260 ق)، حاكم لرستان، خوزستان و اصفهان، ايوان جنوبى حرم طلاكارى شد.[[73]](#footnote-73) سليم پاشا در سال 1269 قمرى، مقبره ويران معروف به «فرزندان كاظم» را بازسازى كرد كه در وسط صحن آستان نزديك به زاويه جنوب شرقى آن قرار داشت، و دو شاعر مشهور عراقى، شيخ جابرالكاظمى و عبدالباقى عمرى، در ستايش اين اقدام قصيده‏سرايى كردند.[[74]](#footnote-74)

شيخ عبدالحسين تهرانى معروف به «شيخ‏العراقين» در سال 1270 قمرى، به دستور ناصرالدين‏شاه (1264- 1313 ق)، به عراق رفت تا بر اجراى طرح عمرانى وسيعى نظارت كند كه شامل بازسازى و زيباسازى ساختمان‏هاى عتبات بود. كارهاى عمرانى آستان كاظمين، در سال 1281 قمرى و پس از پايان اقدامات عمرانى در كربلا و سامرا آغاز شد. از جمله كارهايى كه در كاظمين انجام‏

ص: 264

گرديد، محكم‏سازى پايه‏ها و بازسازى نماى بيرونى ديوار حرم و كاشى‏كارى آن بود. هم‏چنين دو دكه بزرگ، جلو دو ضلع جنوبى و شرقى حرم با نمايى از سنگ مرمر ساخته شد. دكه شرقى كه بعدها با سقف چوبى مبتنى بر 22 ستون پوشيده گرديد، به «طارمة باب‏المراد» ناميده شد. ايوان بزرگ واقع در وسط اين دكه، از طلاهاى باقى‏مانده از طلاكارى گنبد آستان امامين عسكريين (ع) طلاكارى گرديد. در فاصله سال‏هاى 1284 و 1285 قمرى، كار ساختن سقف براى دكه واقع در ضلع جنوبى حرم، با سرمايه حاج‏حسين چَرچَفچى بغدادى آغاز شد. پيش از اين، در سال 1281 قمرى، نخستين درِ نقره‏كوب به آستان مقدس اهدا و ميان رواق جنوبى و گنبدخانه نصب گرديد. در سال 1284 قمرى نيز دو درِ نقره‏كوب ديگر اهدا شد كه يكى را حاج سيدميرزا بابا اصطهباناتى تقديم كرد و ميان رواق جنوبى و ايوان قبله نصب شد؛ و دومى را محسن‏خان پسر عبدالله‏خان تقديم كرد كه ميان رواق شرقى و گنبدخانه نصب شد. مجموع اقدامات عمرانى فوق در سال 1285 قمرى به پايان رسيد.[[75]](#footnote-75)

ناصرالدين‏شاه در سفر به عتبات عاليات، در تاريخ چهاردهم شعبان 1287 قمرى به زيارت كاظمين مشرف شد. جمعيت زيادى از مردم و علماى شيعه با تجمع در اين آستان، از وى استقبال باشكوهى به عمل آوردند.[[76]](#footnote-76) وى در سفرنامه خود، توصيف مختصرى از آستان كاظمين و وضعيت بناى آن در زمان بازديد آورده و درباره اقدامات خود در اين آستان نوشته است: «

دو طرف گنبد مطهر را كه به خرج من، شيخ عبدالحسن [عبدالحسين‏] تهرانى مرحوم، ايوان و ستون و سقف ساخته و كاشى‏كارى‏هاى خوبى كرده است. ... از خشت‏هاى طلاى گنبد مطهر عسكريين (ع) هم خيلى زياد آمده است. مشغول طلا كردن ايوان‏هاى كاظمين هستند.[[77]](#footnote-77)

فرهاد ميرزاى قاجار در سال 1294 قمرى، چهارمين درِ نقره‏كوب را به حرم مطهر اهدا كرد كه ميان رواق و دكه شرقى نصب شد. حسام‏السلطنه قاجار در سال 1296 قمرى، و پس از وى عباس‏ميرزا، مخارج بازسازى و جايگزين كردن‏

ص: 265

خشت‏هاى طلاى فرسوده شده گنبد و مناره‏هاى آستان را تأمين كردند.[[78]](#footnote-78)

فرهاد ميرزا معتمدالدوله، عموى ناصرالدين‏شاه در اواخر قرن سيزدهم هجرى، هزينه توسعه صحن و كارهاى عمرانى ديگرى را در آستان كاظمين پذيرفت و دو نفر از تاجران كاظمين به نام‏هاى حاج‏عبدالهادى و حاج مهدى استرآبادى را مأمور اجراى اين كارها نمود. اين اقدامات شامل موارد زير بود:

1. ساختن زيرزمين‏هاى منظم در صحن و ايوان‏ها و حجره‏ها براى دفن اموات؛

2. طلاكارى مناره‏هاى بزرگ چهارگانه، از محل اذان مؤذن تا نوك آن‏ها؛

3. ساخت حصار بلند و دو طبقه در اطراف صحن كه طبقه اول شامل حجره‏ها و ايوانچه‏هايى بود؛

4. ايجاد دو پايه در طبقه دوم صحن، روى در ورودى اصلى در ضلع شرقى و جنوبى صحن، براى نصب دو ساعت بزرگ.

عمليات ساختمانى طرح توسعه صحن، در هفدهم ذى‏القعده 1296 قمرى آغاز شد و در هفدهم ربيع‏الاول 1301 قمرى به پايان رسيد. پس از پايان كار و افتتاح صحن، جشن بزرگى به مدت سه روز برگزار شد و شاعران شيعه نظير شيخ جابرالكاظمى، سيدحيدر حلى، شيخ جعفر شروقى و شيخ سلمان آل‏نوح، اشعار و قصايدى بدين مناسبت سرودند.[[79]](#footnote-79)

در سال 1309 قمرى، در دوره ولايت حاج حسن پاشا، والى عثمانى بر بغداد، يك تار موى منسوب به پيامبر (ص) از دربار پادشاه عثمانى در استانبول به آستان كاظمين اهدا شد و بدين مناسبت جشن بزرگى در آستان مقدس برگزار گرديد و سيدجعفر حلّى، شاعر شيعه، قصيده‏اى در اين باره سرود.[[80]](#footnote-80)

در سال 1314 قمرى، پنجمين درِ نقره‏كوب به حرم اهدا شد و ميان روضه‏

ص: 266

منوره و رواق شرقى نصب گرديد. اهدا كننده اين در، حاج محمدجواد فرزند حاج محمدتقى شوشترى بود. در سال 1320 نيز شاه‏زاده امير تومان از رجال دولت ايران، رواق جنوبى حرم را آينه‏كارى كرد. تزيين و آينه‏كارى رواق شرقى نيز در سال 1321 قمرى پايان يافت و مخارج آن را علاءالدوله قاجار (مقتول در 1329 ق) تأمين كرد.[[81]](#footnote-81)

درباره اين‏كه چه زمانى ضريح فولادى نصب شده بر قبور دو امام هفتم و نهم، با ضريح نقره‏كوب تعويض گرديد، نويسندگان با يك‏ديگر اختلاف‏نظر دارند. سيدعلى موجانى بدون اشاره به منبع خود از نصب ضريح طلاى ساخته شده از سوى امناى دولت ايران بر تربت شريف امامين خبر داده است.[[82]](#footnote-82) همو در جاى ديگرى، از دستور ناصرالدين‏شاه براى نصب ضريح نقره به جاى ضريح فولادى، در سال 1282 قمرى سخن گفته است.[[83]](#footnote-83) نويسنده ديگرى نيز اظهار داشته كه در سال 1283 قمرى به دستور ناصرالدين‏شاه، براى اولين بار ضريحى از نقره جايگزين ضريح فولادى دوره صفوى گرديد.[[84]](#footnote-84) در حالى‏كه شاه كه پس از اين تاريخ از بارگاه كاظمين بازديد كرده، ضريح روى قبر را ضريح بزرگ فولادى توصيف نموده است‏[[85]](#footnote-85) و هيچ سخنى از دستور يا اراده خود مبنى بر تعويض ضريح اين آستان به ميان نياورده است.

اما چيزى كه مى‏توان به درستى آن اطمينان حاصل كرد، آن است كه نخستين ضريح مشبك نقره‏پوش، در روز پنج‏شنبه هفدهم جمادى‏الثانى سال 1324 قمرى، بر تربت شريف دو امام نصب گرديد. اين ضريح با هزينه سلطان‏بيگم دختر ميرزا ابوالحسن‏خان مشيرالملك و با تلاش حاجى‏ميرزا

ص: 267

محمدكاظم طباطبايى اصفهانى ناظم‏التجّار (درگذشته 1325 ق) ساخته شد. تاريخ آغاز ساخت اين ضريح سال 1323 و پايان آن سال 1324 قمرى، و طول و عرض آن 74/ 6\* 17/ 5 متر بود.[[86]](#footnote-86)

بعدها بخش‏هايى از اين ضريح، به علت فرسودگى مرمت و تعويض شد و اين تعميرات در سال 1359 قمرى به پايان رسيد. در سال 1385 قمرى نيز كتيبه‏اى قرآنى به عرض 24 سانتى‏متر در بالاى پنجره‏هاى ضريح نصب گرديد كه روى آن دو سوره «دهر» و «فجر» با خطوط طلايى نگاشته شد. هم‏چنين پوشش نقره‏اى تاج بالاى ضريح، در سال 1378 قمرى با پوشش طلا تعويض گرديد.[[87]](#footnote-87)

در سال 1326 قمرى، رواق شمالى و غربى حرم مطهر با هزينه حاج‏عباس على‏اف فرزند حاج لطف‏الله، آينه‏كارى گرديد و در سال 1327 قمرى، ششمين در نقره‏كوب آستان كاظمين كه يكى از اعيان كرمانشاه به نام امين‏الدوله اهدا نموده بود، ميان روضه منوره و رواق غربى نصب شد. در سال 1332 عمليات ساختمانى دكه غربى كه از سال 1321 قمرى آغاز شده بود، به پايان رسيد و علما و شعراى كاظمين، از جمله شيخ محمدمهدى مراياتى، شيخ راضى آل‏ياسين و شيخ محمد سماوى، اشعارى در ماده تاريخ آن سرودند.[[88]](#footnote-88)

در سال‏هاى پس از سقوط رژيم بعث عراق، طرح توسعه‏اى براى آستان مقدس كاظمين تصويب شد كه شامل احداث صحن وسيعى در ضلع شمالى بناى كنونى آستان است. اجراى اين پروژه در زمستان سال 2008 ميلادى/ 1386 شمسى توسط توليت آستان كاظمين آغاز شد و شامل دو مرحله بود: مرحله نخست شامل ساخت يك صحن وسيع و حصار پيرامون آن است كه پس از ده ماه از آغاز آن به پايان رسيد. مرحله دوم نيز شامل تأسيسات و نيز سنگ‏فرش كردن و پوشش نماها با سنگ مرمر بود. مساحت صحن جديد هفت‏هزار مترمربع است كه پنج‏هزار مترمربع آن به فضاى آزاد صحن و دو هزار

ص: 268

متر مربع نيز به حجره‏ها و ايوان‏هاى اطراف آن اختصاص دارد. اين صحن داراى سه ورودى بزرگ در سه ضلع شمالى، شرقى و غربى و دو ورودى جانبى در طرفين ورودى اصلى شمالى و دو ورودى ديگر نيز در دو ضلع جنوبى (به سمت صحن اصلى آستان كاظمين) است. در گرداگرد صحن، 44 ايوانچه و 44 حجره وجود دارد و در زير آن نيز زيرزمين وسيعى احداث شده كه داراى اتاق‏ها، راه‏روها و يك شبستان وسيع است. مساحت شبستان زير صحن پنج‏هزار و مساحت اتاق‏ها و راه‏روهاى اطراف آن دو هزار مترمربع است. در ضلع شمالى صحن نيز ساختمانى احداث شده كه بناهايى از قبيل مجتمع فرهنگى، موزه، سالن اجتماعات، مهمان‏سرا، كتابخانه و مدرسة علوم دينى را دربرگرفته است.

نتيجه‏

نويسندگان پيشين درباره روند بازسازى و توسعه بارگاه امامين جوادين (ع) تا نيمه نخست سده پنجم هجرى، با قاطعيت سخن گفته و گاه زمان‏هاى دقيقى را براى توسعه و بازسازى‏هاى آستان تعيين كرده و رجال و حاكمانى را به عنوان بانيان و عاملان آن نام برده‏اند. در حالى‏كه از منابع تاريخى موجود، صرفاً چنين استفاده مى‏شود كه اين آستان مقدس، داراى ساختمان و زيارتگاه شيعيان بوده است. در واقع تنها با توجه به برخى قراين جانبى (از جمله اهتمام آل‏بويه به حرمين نجف و كربلا و به خاك‏سپارى چند تن از حاكمان آل‏بويه در آستان كاظمين) مى‏توان حدس و گمان‏هايى در اين باره مطرح نمود.

اما درباره تحولات بارگاه امامين جوادين (ع) از نيمه دوم سده پنجم تا نيمه دوم سده هفتم هجرى، با توجه به نگارش منابع تاريخى مهم در اين دوره، گزارش‏هاى بيش‏تر و مفصل‏ترى به دست مى‏آيد. با استناد به اين منابع، مى‏توان نام حاكمانى را مشخص نمود كه به بازسازى آستان كاظمين اهتمام داشته‏اند. و تواريخ دقيقى را براى تحولات معمارى اين بارگاه و حتى بلاياى طبيعى و انسانى آن مى‏توان تعيين كرد. بنابراين، از امير شرف‏الدوله مسلم بن‏

ص: 269

قريش، و پس از وى مجدالملك براوستانى قمى، بايد در شمار نخستين رجال و امرايى نام برد كه در نيمه دوم سده پنجم هجرى، به اقدامات عمرانى در آستان كاظمين دست زده‏اند.

هم‏چنين مى‏توان گفت: در دوره متأخر عباسى، به اين آستان به‏طور فزاينده‏اى توجه گرديده و خلفاى عباسى به بازسازى آن اهتمام داشته‏اند و برخى از آنان، هم‏چون المستنصر بالله، از خود آثار هنرى مهمى (نظير صندوقچه قبر امام كاظم (ع) كه تا امروز باقى مانده است) به يادگار گذاشته‏اند. اما درباره تاريخچه اين آستان مقدس در فاصله سقوط خلافت عباسى تا آغاز سده دهم هجرى، به علت كمبود اسناد و مدارك تاريخى، آگاهى‏هاى مفصل و دقيقى در اختيار نداريم.

روى كار آمدن صفويان در ايران، مرحله جديدى را در تحول معمارى بارگاه كاظمين رقم زد. در دوره شاه اسماعيل طرح توسعه آستان كاظمين آغاز گرديد و بناهاى معمارى مهمى مانند مسجد جامع كاظمين در مجاورت اين آستان ساخته شد. شواهد هنرى و معمارى باقى‏مانده، نشان مى‏دهد كه هسته مركزى حرم مطهر كاظمين (ع) در شكل امروزى آن، از همين دوره است. در مرحله پس از تثبيت حاكميت عثمانى‏ها بر عراق نيز پادشاهان و واليان عثمانى گاهى اقداماتى در اين آستان مقدس صورت دادند.

اين آستان در دوره قاجار شاهد تحولات معمارى چشم‏گير ديگرى بود. ساختمان كنونى صحن و ايوان‏ها از آثار اين دوره به شمار مى‏آيد. اقدامات مهمى هم‏چون طلاكارى گنبد و ايوان‏ها، آينه‏كارى سقف حرم و رواق‏ها، احداث برج‏هاى ساعت، نصب درهاى نقره‏كوب حرم مطهر و نصب ضريح مشبك نقره‏پوش در اين دوره انجام شده است. در واقع، اين تحولات به طور عمده، ناشى از اهتمام پادشاهان قاجار و رجال دينى و سياسى و بازرگانان ايرانى است كه در اين زمينه به طور خاص، بايد از نقش قابل‏توجه فرهادميرزا معتمدالدوله، عموى ناصرالدين‏شاه ياد كرد.

ص: 270

منابع‏

الف) عربى‏

آل‏ياسين، محمدحسن، تاريخ المشهد الكاظمى، چاپ اول، بغداد، مطبعة المعارف، 1387 ق/ 1967 م.

ابن اثير جزرى، الكامل فى التاريخ، بيروت: دارصادر، 1399 ق/ 1979 م.

ابن جوزى، عبدالرحمان بن على، المنتظم فى تاريخ الملوك والأمم، تحقيق: محمدعبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، 1412 ه- ق/ 1992 م.

ابن خلّكان، احمد بن محمد، وفيات الاعيان، تحقيق: احسان عباس، بيروت: دارصادر.

ابن ساعى، على بن انجب، تاريخ ابن الساعى- الجزء التاسع، چاپ اول، تحقيق: محمدعبدالله القدحات، عَمّان: دارالفاروق، 1431 ق/ 2010 م.

ابن طقطقى، الفخرى فى الآداب السلطانية والدول الاسلامية، محمد بن على، بيروت: دارصادر.

ابن فوطى، عبدالرزاق بن احمد، الحوادث الجامعة والتجارب النافعة فى المائة السابعة، تحقيق: مهدى النجم، بيروت: دار الكتب العلمية، 1424 ق/ 2003 م.

ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، چاپ اول، تصحيح: بهراد الجعفرى، تهران: صدوق، 1375 ش.

ابوالفرج اصفهانى، مقاتل الطالبيين، تحقيق: سيد احمد صقر، چاپ دوم، بيروت: مؤسسة الاعلمى، 1408 ق/ 1987 م.

جواد، مصطفى، «الكاظمية قديماً»، موسوعة العتبات المقدسة، چاپ دوم، جعفر الخليلى، بيروت: مؤسسة الاعلمى، 1407 ق/ 1987 م، ج 9 (قسم الكاظمين).

حموى، ياقوت بن عبدالله، معجم الادباء (ارشاد الاريب الى معرفة الاديب)، چاپ اول، تحقيق: احسان عباس، بيروت: دارالغرب الاسلامى، 1993 م.

حموى، ياقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بيروت: دارصادر، 1397 ق/ 1977 م.

ص: 271

خطيب بغدادى، احمد بن على، تاريخ بغداد (تاريخ مدينةالسلام)، چاپ اول، تحقيق: بشّار عوّاد معروف، بيروت: دارالغرب الاسلامى، 1422 ق/ 2001 م.

سبط ابن جوزى، يوسف بن قزاوغلى، مرآة الزمان فى تواريخ الاعيان، دمشق: دار الرسالة العالمية، 1434 ق/ 2013 م.

السويدى البغدادى، عبدالرحمان بن عبدالله، حديقة الزوراء فى سيرة الوزراء، تحقيق: عماد عبدالسلام رئوف، بغداد: المجمع العلمى، 1423 ق/ 2003 م.

شيخ صدوق، محمد بن على قمى، عيون اخبار الرضا (ع)، تصحيح: سيد مهدى حسينى لاجوردى، تهران: انتشارات جهان.

شيخ طوسى، محمد بن الحسن، تهذيب الاحكام، تحقيق: سيد حسن موسوى خرسان، تهران: دار الكتب الاسلامية، 1390 ق.

شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد الى معرفة حجج الله على العباد، تحقيق: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، بيروت: مؤسسة آل‏البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، 1416 ق/ 1995 م.

طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الامم والملوك (تاريخ الطبرى)، چاپ دوم، بيروت: روائع التراث العربى، 1387 ق.

العزاوى، عباس، تاريخ العراق بين احتلالين، مطبعة التفيص الاهلية، 1357 ق/ 1939 م.

قمى، عباس، الفوائد الرضوية فى احوال علماء المذهب الجعفرية، قم: بوستان كتاب، 1385.

مسعودى، على بن الحسين، اثبات الوصية، قم: مطبعة الصدر، 1417 ق/ 1996 م.

ب) فارسى‏

ايزدى، حسين، «تاريخچه حرم كاظمين (ع)»، مجموعه مقالات همايش سيره و زمانه امام كاظم (ع)، انجمن تاريخ‏پژوهان حوزه علميه قم، قم: مركز مديريت حوزه‏هاى علميه، 1392.

ص: 272

تركمان، اسكندر بيگ، تاريخ عالم‏آراى عباسى، زير نظر: ايرج افشار، تهران: اميركبير، 1382.

خواندمير، غياث‏الدين، حبيب السير فى اخبار افراد البشر، زير نظر: محمد دبيرسياقى، تهران: خيام، 1380.

رازى قزوينى، عبدالجليل، النقض (بعض مثالب النواصب فى نقض بعض فضائح الروافض)، چاپ اول، تصحيح: ميرجلال‏الدين محدّث ارموى، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث، با همكارى كتابخانه، موزه و مركز اسناد مجلس شوراى اسلامى، 1391.

عبدالكريم، در ركاب نادر شاه يا سفرنامه عبدالكريم، ترجمه: محمود هدايت، تهران: چاپخانه سپهر، 1322.

فيض، عباس، تاريخ كاظمين و بغداد، ج 1، چاپخانه قم، بى تا.

منشى قزوينى، بوداق، جواهر الاخبار، چاپ اول، تصحيح: محسن بهرام‏نژاد، تهران: ميراث مكتوب، 1378.

موجانى، سيدعلى، بازسازى تاريخ فراموش شده عتبات عاليات عراق، چاپ اول، تهران: مجمع جهانى اهل‏بيت (عليهم السلام)، 1389.

ناصرالدين‏شاه، شهريار جاده‏ها: سفرنامه ناصرالدين‏شاه به عتبات، به كوشش: محمدرضا عباسى و پرويز بديعى، تهران: سازمان اسناد ملى ايران، 1372.

همدانى، رشيدالدين فضل‏الله، جامع التواريخ، چاپ اول، تصحيح: محمد روشن و مصطفى موسوى، تهران، البرز، 1373.[[89]](#footnote-89)

ص: 273

1. . دانشجوى دكترى تاريخ و تمدن ملل اسلامى دانشكده الهيات دانشگاه تهران؛

moc. oohay@ rayhemahk a: liam- E [↑](#footnote-ref-1)
2. . ياقوت حموى، معجم البلدان، ج 5، ص 163. [↑](#footnote-ref-2)
3. . نك: تاريخ بغداد، ج 1، ص 444. [↑](#footnote-ref-3)
4. . همان؛ حموى، ج 3، همان، ص 374. [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان، ج 1، ص 444. [↑](#footnote-ref-5)
6. . محمد حسن آل‏ياسين، تاريخ المشهد الكاظمى، ص 11. [↑](#footnote-ref-6)
7. . مصطفى جواد، الكاظمية قديماً، موسوعة العتبات المقدسة، ج 9، ص 23. [↑](#footnote-ref-7)
8. . محمد بن جرير طبرى، تاريخ الامم والملوك( تاريخ الطبرى)، ج 4، ص 510. [↑](#footnote-ref-8)
9. . شيخ مفيد، الارشاد الى معرفة حجج الله على العباد، ج 2، ص 243. [↑](#footnote-ref-9)
10. . آل‏ياسين، همان، ص 11. [↑](#footnote-ref-10)
11. . حموى، همان، ج 5، ص 163. [↑](#footnote-ref-11)
12. . طبرى، همان، ج 4، ص 510. [↑](#footnote-ref-12)
13. . ابوالفرج اصفهانى، مقاتل الطالبيين، ص 418؛ شيخ صدوق، عيون اخبار الرضا( ع)، ج 1، ص 72. [↑](#footnote-ref-13)
14. . على بن الحسين مسعودى، اثبات الوصية، ص 201. [↑](#footnote-ref-14)
15. . ابن قولويه، كامل الزيارات، ص 313- 315. [↑](#footnote-ref-15)
16. . همان، ص 314؛ شيخ طوسى، تهذيب الاحكام، ج 6، ص 83. [↑](#footnote-ref-16)
17. . نك: مسعودى، ص 227. [↑](#footnote-ref-17)
18. . براى مثال، نك: ابن اثير، الكامل فى التاريخ، ج 9، ص 577؛ ج 10، ص 91 و 609؛ ج 12، ص 130 و 332؛ ابن خلّكان، وفيات الاعيان، ج 4، ص 420. [↑](#footnote-ref-18)
19. . حموى، همان، ج 1، ص 306. [↑](#footnote-ref-19)
20. . ابن اثير، ج 10، ص 470؛ ابن‏ساعى، تاريخ ابن الساعى، ص 93 و 143 و 159 و 240؛ ابن فوطى، الحوادث الجامعة، ص 86 و 160 و 190؛ ابن خلّكان، ج 4، ص 419؛ ج 5، ص 396. [↑](#footnote-ref-20)
21. . ابن ساعى، همان، ص 150 و 184؛ ابن فوطى، همان، ص 91 و 165 و 183. [↑](#footnote-ref-21)
22. . ياقوت حموى، معجم الادباء، ج 4، ص 1786. [↑](#footnote-ref-22)
23. . آل‏ياسين، همان، ص 24( به نقل از: صدى الفؤاد). [↑](#footnote-ref-23)
24. . ابن جوزى،، المنتظم فى تاريخ الملوك والأمم، ج 14، ص 198؛ ابن خلّكان، همان، ج 1، ص 176. [↑](#footnote-ref-24)
25. . ابن اثير، همان، ج 8، ص 694. [↑](#footnote-ref-25)
26. . همان، ص 704 و 705. [↑](#footnote-ref-26)
27. . آل‏ياسين، همان، ج 2، ص 25( به نقل از: صدى الفؤاد). [↑](#footnote-ref-27)
28. . ابن اثير، همان؛ حمدالله مستوفى، نزهة القلوب، ص 32. [↑](#footnote-ref-28)
29. . براى آگاهى از جزئيات دفن اين دو، نك: ابن اثير، همان، ج 9، ص 516- 517 و 526. [↑](#footnote-ref-29)
30. . ابن اثير، همان، ج 9، ص 561. [↑](#footnote-ref-30)
31. . همان، ص 577. [↑](#footnote-ref-31)
32. . آل‏ياسين، همان، ص 29. [↑](#footnote-ref-32)
33. . ابن فوطى، همان، ص 79. [↑](#footnote-ref-33)
34. . ابن اثير، همان، ج 10، ص 90- 91. [↑](#footnote-ref-34)
35. . همان، ص 156؛ سبط ابن جوزى، مرآة الزمان فى تواريخ الاعيان، ج 19، ص 407. [↑](#footnote-ref-35)
36. . عبدالجليل رازى قزوينى، النقض، ص 236. [↑](#footnote-ref-36)
37. . آل‏ياسين، همان، ص 30. [↑](#footnote-ref-37)
38. . ابن جوزى، المنتظم فى تاريخ الملوك والامم، ج 17، ص 217؛ الكامل، ج 10، ص 609. [↑](#footnote-ref-38)
39. . نك: تاريخ دمشق، ص 328. [↑](#footnote-ref-39)
40. . ابن اثير، همان، ج 10، ص 248. [↑](#footnote-ref-40)
41. . ابن جوزى، همان، ج 18، ص 205- 206. [↑](#footnote-ref-41)
42. . همان، ج 11، ص 332. [↑](#footnote-ref-42)
43. . آل‏ياسين، همان، ص 32 و 33. [↑](#footnote-ref-43)
44. . ابن طقطقى، الفخرى فى الآداب السلطانية، ص 329. [↑](#footnote-ref-44)
45. . براى آگاهى بيش‏تر از ويژگى‏هاى هنرى صندوقچه، نك: آل‏ياسين، همان، ص 35 و 36. [↑](#footnote-ref-45)
46. . ابن فوطى، همان، ص 181. [↑](#footnote-ref-46)
47. . همان، ص 183. [↑](#footnote-ref-47)
48. . همان، ص 190. [↑](#footnote-ref-48)
49. . رشيدالدين فضل‏الله همدانى، جامع التواريخ، ج 2، ص 1017. [↑](#footnote-ref-49)
50. . همان، ص 1019. [↑](#footnote-ref-50)
51. . خواندمير، حبيب السير فى اخبار افراد البشر، ج 4، ص 494- 496. [↑](#footnote-ref-51)
52. . آل‏ياسين، همان، ص 52 و 53. [↑](#footnote-ref-52)
53. . بوداق منشى قزوينى، جواهر الاخبار، تصحيح: محسن بهرام‏نژاد، ص 124. [↑](#footnote-ref-53)
54. . عباس العزاوى، تاريخ العراق بين احتلالين، ج 4، ص 34. [↑](#footnote-ref-54)
55. . براى آگاهى بيش‏تر درباره اين مسجد، نك: عباس فيض، تاريخ كاظمين و بغداد، ص 250. [↑](#footnote-ref-55)
56. . العزاوى، همان. [↑](#footnote-ref-56)
57. . آل‏ياسين، همان، ص 57 و 61. [↑](#footnote-ref-57)
58. . براى آگاهى از توصيف هنرى صندوقچه‏ها، نك: فيض، همان، ص 44. [↑](#footnote-ref-58)
59. . آل‏ياسين، همان، ص 79. [↑](#footnote-ref-59)
60. . فيض، همان، ص 250. [↑](#footnote-ref-60)
61. . العزاوى، تاريخ العراق بين احتلالين، ج 4، ص 114. [↑](#footnote-ref-61)
62. . اسكندر بيگ تركمان، تاريخ عالم آراى عباسى، ج 3، ص 1004. [↑](#footnote-ref-62)
63. . آل‏ياسين، همان، ص 89. [↑](#footnote-ref-63)
64. . عباس، قمى، الفوائد الرضوية فى احوال علماء المذهب الجعفرية، ج 1، ص 142. [↑](#footnote-ref-64)
65. . آل‏ياسين، همان، ص 89. [↑](#footnote-ref-65)
66. . فيض، همان، ص 45. [↑](#footnote-ref-66)
67. . السويدى البغدادى، حديقة الزوراء فى سيرة الوزراء، ص 147- 148. [↑](#footnote-ref-67)
68. . عبدالكريم(؟)، در ركاب نادر شاه يا سفرنامه عبدالكريم، ترجمه: محمود هدايت، ص 39، تهران: چاپخانه سپهر، 1322. [↑](#footnote-ref-68)
69. . آل‏ياسين، همان، ص 92. گفتنى است ناصرالدين‏شاه نيز به طلاكارى آستان كاظمين به دست آقامحمد خان اشاره كرده است.( نك: شهريار جاده‏ها: سفرنامه ناصرالدين‏شاه به عتبات، ص 96). [↑](#footnote-ref-69)
70. . آل‏ياسين، همان، ص 93. [↑](#footnote-ref-70)
71. . فيض، همان، ص 47. [↑](#footnote-ref-71)
72. . آل‏ياسين، همان، ص 94- 97. [↑](#footnote-ref-72)
73. . همان، ص 94. [↑](#footnote-ref-73)
74. . همان، ص 99 و 100. [↑](#footnote-ref-74)
75. . همان، ص 104- 106. [↑](#footnote-ref-75)
76. . آل‏ياسين، همان، ص 113 و 114. [↑](#footnote-ref-76)
77. . شهريار جاده‏ها: سفرنامه ناصرالدين‏شاه به عتبات، ص 96. [↑](#footnote-ref-77)
78. . آل‏ياسين، همان، ص 114. [↑](#footnote-ref-78)
79. . آل‏ياسين، همان، ص 117- 119. آل ياسين متن كامل اشعار شعراى فوق را نقل كرده است.( نك: همو، ص 119- 134). [↑](#footnote-ref-79)
80. . آل‏ياسين، همان، ص 135. [↑](#footnote-ref-80)
81. . آل‏ياسين، همان، ص 136 و 141. [↑](#footnote-ref-81)
82. . سيدعلى موجانى، بازسازى تاريخ فراموش شده عتبات عاليات عراق، ص 156. [↑](#footnote-ref-82)
83. . موجانى، همان، ص 199. [↑](#footnote-ref-83)
84. . حسين ايزدى،« تاريخچه حرم كاظمين( ع)»، مجموعه مقالات همايش سيره و زمانه امام كاظم( ع)، ص 555. [↑](#footnote-ref-84)
85. . شهريار جاده‏ها: سفرنامه ناصرالدين‏شاه به عتبات، ص 96. [↑](#footnote-ref-85)
86. . آل‏ياسين، همان، ص 141 و 142 و 154. [↑](#footnote-ref-86)
87. . همان، ص 154 و 157. [↑](#footnote-ref-87)
88. . همان، ص 145 و 146. [↑](#footnote-ref-88)
89. همايش سيره و زمانه امام جواد عليه السلام (1395: قم)، مجموعه مقالات همايش سيره و زمانه امام جواد عليه السلام، 3جلد، مركز مديريت حوزه‏هاى علميه - قم - ايران، چاپ: 1، 1395 ه.ش. [↑](#footnote-ref-89)